

عدالت محیط‌زیستی و توسعه پایدار

صدیقه رضایی^۱ و کورش رضائی مقدم^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زیست‌بوم انسانی کشاورزی، بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

۲. استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز (rezaei@shirazu.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶

چکیده

عدالت محیط‌زیستی یک مفهوم چالش برانگیز در ارتباط با روند توسعه است به این دلیل که منافع اجتماعی و محیط‌زیستی در تضاد با رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه محیط طبیعی، بین همه موجودات مشترک می‌باشد، عدالت محیط‌زیستی با مفهوم رعایت انصاف مرتبط می‌باشد. از طرفی نیز صلح و سعادت جهانی در سایه تفاهم میان کشورها دست یافتنی می‌باشد. البته بر این مبنا که حفاظت از محیط‌زیست و پایداری آن به معنای احترام به حقوق محیط‌زیست است. بنابراین پایه‌گذاری تلاش‌های مرتبط با توسعه پایدار بر اساس عدالت محیط‌زیستی می‌تواند در این راستا کمک‌کننده باشد. در این مقاله با تشریح مفهوم عدالت زیست محیطی، به این موضوع پرداخته شده که تلاش برای پیشرفت و دستیابی به تکنولوژی‌های جدید برای استفاده اقشار مختلف، نباید در سایه پایمال کردن حقوق افراد ضعیف و قشر آسیب‌پذیر جوامع باشد. حال این نادیده گرفتن حقوق چه در سطح یک محله از یک شهر و یا چه در سطح یک کشور جهان سوم باشد. برای محقق شدن این مسئله نیاز به تدوین و اجرای یک سری قوانین در سطح ملی و بین‌المللی است. در این راستا چندین نمونه از نابرابری عدالت زیست محیطی در ایران بحث شده است.

کلمات کلیدی: محیط زیست، عدالت، توسعه پایدار، کشاورزی.

مقدمه

خلقت جهان، بر اساس عدالت صورت گرفته و روابط عناصر طبیعت و انسان با خالق هستی و با یکدیگر، بر پایه محور عدالت ترسیم شده است. در دهه‌های اخیر به دنبال تعامل نادرست بشر با محیط‌زیست، شاهد بر هم خوردن توازن محیط‌زیستی در بسیاری از مناطق کره زمین هستیم که علاوه بر پدید آمدن آثار مخرب آن در طبیعت، عدالت در بهره‌برداری از منابع محیط‌زیستی نیز از بین رفته است. با توجه به اینکه عدالت محیط‌زیستی به معنی به رسمیت شناختن ارزش‌های یک محیط برای همه موجودات آن ناحیه، چه انسانی و چه غیرانسانی با تمام تنوع و فراوانی آن، حیوانات و گیاهان، چشم‌اندازها و زیست بوم‌هاست؛ پس عدالت محیط‌زیستی با مفهوم رعایت انصاف در مواجهه با محیط‌زیست مرتبط می‌باشد. با یک دید ساده می‌توان این گونه بیان کرد که وقتی انسان‌ها درختان را قطع کنند، حیات گیاهی و جانوری آن قسمت و حتی فراتر از آن تحت تاثیر قرار می‌گیرد. مطالعات محیط‌زیستی همواره وابستگی متقابل ارگانیسم‌های زنده و تعامل آنها با محیط را به اثبات رسانده‌اند. بنابراین طرز رفتار با محیط نیاز به توجه فراوان دارد. همچنین محیط‌زیست اولین حق انسان بوده و بدون یک محیط امن، انسان نمی‌تواند ادعا کند که حقوق دیگری همچون سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی را داراست. امنیت در اینجا زوایای مختلفی را پوشش می‌دهد که شاید بتوان گفت عمده‌ترین آنها امنیت غذایی است. از طرفی نیز عدالت محیط‌زیستی یک مفهوم چالش برانگیز است که ارتباط نزدیکی با توسعه کشاورزی دارد. در این مقاله با تشریح مفهوم عدالت زیست محیطی، به این موضوع پرداخته شده که تلاش برای پیشرفت و دستیابی به تکنولوژی‌های جدید برای استفاده اقشار مختلف، نباید در سایه پامال کردن حقوق افراد ضعیف و قشر آسیب‌پذیر جوامع باشد.

مفهوم عدالت و جنبه محیط‌زیستی آن

عدالت در لغت به معنای دادگر بودن، انصاف داشتن و ... است. از طرفی عدالت اجتماعی عدالتی است که همه‌ی افراد جامعه از آن برخوردار باشند. انسان همیشه در جستجوی عدالت بوده و هست و این امر چه در گروه‌های کوچک مثل خانواده و دوستان و چه در گروه‌های بزرگی مثل جامعه صدق می‌کند. عدالت یک مفهوم چند بعدی است که پرداختن به تمام ابعاد آن سخت و گاهی ناممکن است. جالینوسی و نجف‌پور (۱۳۸۵) معتقدند که عدالت از دید شرق و غرب دارای نقاط مشترک و متفاوتی است اما در تمام آنها یک وجه مشترک مهمی وجود دارد و آن تلاش برای عادلانه کردن روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع است و تفاوت آنها در راه‌های جداگانه‌ای است که در راه رسیدن به هدف وجود دارد. از دیدگاه افلاطون عدالت قرار دادن هر چیزی و هر فردی سر جای خود می‌باشد اما این اصل به طور کلی قابل پیاده شدن نیست. عدالت سیاسی از دید افلاطون یعنی حکومت افراد دارای سرنوشت برتر و فرمانبرداری افراد دارای سرنوشت پست. از دید اقتصادی دو پدیده توانگری و تنگدستی نیز جزء عوامل فساد تلقی می‌شود. فلاسفه مسلمان نیز نگاه‌های متفاوتی به تعریف عدالت دارند. مثلاً فارابی بسیار تحت تاثیر نظریات افلاطون بوده است. علامه نایینی عدالت را بر دو پایه آزادی و برابری می‌داند. از طرفی طبق شریعت اسلام اصل هر انسان بر اساس عدل و عدالت است و همه از تساوی برخوردارند.

تعاریف مختلفی از رابطه حقوق و عدالت در طول تاریخ انجام شده که موجب پیدایش مکاتبی با نگاه خاص به این موضوع شده است. پیروان مکتب اصالت فرد با توجه به آزادی‌های فردی مورد نظرشان معتقدند که مفهوم عدالت در برابری و تقسیم سود و زیان ناشی از معاملات است. این گروه معتقدند که افراد نفع و زیان خود را می‌شناسند، بنابراین به هنگام تبادل کالاهای خود مراقب نفع و زیان خود هستند و حقوق باید از آزادی عمل ایشان پشتیبانی کند. این نوع عدالت نتیجه احترام به قراردادهایی خودجوش است که بدون دخالت دولت‌ها به وجود آمده و دولت‌ها هیچ نقشی در توزیع ثروت و مزایا ندارند. این نوع عدالت بنا بر تعریفی که از ارسطو به جا مانده، عدالت معاوضی نامیده می‌شود (سرمدی و خمایی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، در مکتب پوزیتیویسم اجتماعی، دولت آمرانه و به عنوان ذینفع در تقسیم ثروت دخالت می‌کند. هدف اصلی از عدالت در این مکتب، عدالت توزیعی است. عدالت توزیعی به معنی تسهیم عادلانه منافع عمومی و هزینه کردن منابع طبیعی درون هر جامعه و برای همان جامعه است. عدالت توزیعی همچنین به عنوان حق بهره‌برداری مساوی است که شامل توزیع برابر کالاها و فرصت‌هایی که هر فرد دارد یا دریافت کرده است، می‌باشد (Clayton, 2000). عدالت یک مفهوم تعاملی و جمعی است، بدین معنی که آزادی هر فردی نباید به منافع و آزادی دیگران لطمه وارد کند. این امر پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت صنعت و فناوری که موجب پیدایش اقشار و طبقات مختلف شد، نمود بیشتری پیدا کرد. پس از انقلاب صنعتی، جوامع تنها متشکل از دو طبقه فرمانبر و فرمانده نبود، بلکه صنعتگران، تجار و تحصیل‌کردگان به همراه کشاورزان اقشاری بودند که جوامع مدنی مدرن را پدید آوردند. هر قشر در تلاش بود تا در قانون‌گذاری سهمی باشد و نمایندگان خود را به نهادهای قانون‌گذاری وارد کند. قوانین موضوعه در پی ایجاد عدالتی بود که منافع اقشار مختلف با علایق و سلاقی مختلف ولی منافع مشترک را تأمین کند. در جامعه بین‌المللی نیز، روابط بین کشورها دستخوش تحول شد و بسیاری از کشورها برای جلوگیری از منازعات بین‌المللی و ایجاد یک جامعه بین‌المللی قانونمند تلاش کردند. نتیجه تلاش برای عدالت طی سال‌های گذشته، در اعلامیه جهانی حقوق بشر تجلی یافته است. برابری شهروندان در شأن، منزلت و حق زندگی، آزادی و امنیت از حقوق بنیادین انسان‌هاست که در مواد ۱ تا ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده و دستیابی به این حقوق ملازم با بهره‌مندی از محیط زیست سالم است (سرمدی و خمایی، ۱۳۹۴).

جنبش حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده آمریکا منشاء جنبش دیگری شد که به نام عدالت محیط‌زیستی شناخته می‌شود. تاثیر جنبش حقوق مدنی پس از تصویب قانون حقوق مدنی در سال ۱۹۶۴ در ایالات متحده نقش پررنگتری در شکل‌گیری مفهوم عدالت محیط‌زیستی ایفا کرد. در دهه ۹۰ میلادی، اثری از رابرت بولارد به نام Dumping in Dixie به منزله فراخوانی برای جنبش عدالت محیط‌زیستی مطرح شد. در این اثر، بولارد به بررسی اختلافات گسترده اقتصادی، بهداشتی و محیط‌زیستی در بین گروه‌های نژادی و اجتماعی و اقتصادی شدت گرفته در اواخر قرن بیست می‌پردازد. وی در اثر خود با بیان اینکه روند ظهور جنبش عدالت محیط‌زیستی در تلاش است تا یک راهبرد مشترک و حامی ساختار پایدار جوامع آمریکایی-آفریقایی و سایر مردم رنگین پوست را توسعه دهد، به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد (بلیک ژانت، ۱۳۸۹). در اواخر قرن بیستم و با شروع قرن بیست و یک توسعه حقوق بین‌الملل به اشخاص حقیقی تسری یافت که آثار این بسط توجه خاص به حقوق اساسی و بنیادین انسان‌هاست و

در همین راستا حق برخورداری انسان از محیط‌زیست سالم نیز توسعه یافت. قوانین حقوق بشری به واسطه رشد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، چشم‌انداز بین‌المللی پیدا کرد که این نتیجه توسعه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بود. این دو حوزه با نفوذ، از حقوق، اهداف و مقاصد جداگانه‌ای برخوردارند، اما حفاظت از محیط‌زیست با حراست از حقوق بشر، در یک راستا قرار دارند. دلیل چنین فرضی آن است که زندگی در محیط‌زیست سالم از حقوق بنیادین بشر است و آب و هوای سالم مهمترین عناصر برای بقای انسان است (سرمدی و خمایی، ۱۳۹۴). بر همین اساس، در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیروی برزیل کنفرانس سازمان ملل متحد درباره توسعه و محیط‌زیست تشکیل شد. در بخش یک مقدمه دستور کار ۲۱ که محصول این کنفرانس است، تاکید شده که موقعیت نابرابر بین کشورها و فقدان بهداشت، بی‌سواد و فقر در حال گسترش است. همچنین بخش ۲۰ از دستور کار ۲۱ درباره مواد آلوده‌کننده است و درباره نوعی تجارت پرسش برانگیز، یعنی انتقال این مواد آلوده به کشورهای در حال توسعه صحبت کرده است. این‌ها پیامد وقایعی بود که در اواخر قرن بیستم شروع شد و سبب مطرح شدن عدالت محیط‌زیستی شد (Gonzalez, 2011).

جنبش عدالت محیط‌زیستی در دهه ۸۰ میلادی ظهور کرد. در ابتدای امر این حرکت، اهداف و اولویت‌های جنبش سنتی حفاظت از محیط‌زیست را با ایجاد ارتباط بین تخریب محیط‌زیست و مسائل مربوط به فقر و نژادپرستی به چالش کشید و خیلی زود با گسترش به سایر حیطه‌ها، مسائل محیط‌زیستی دیگری را نیز در بر گرفت. از آن جمله می‌توان موارد زیر را نام برد: دستیابی به پارک و فضای سبز باز برای همه مردم، قرار گرفتن کشاورزان در معرض آفت‌کش‌ها و خطر مسمومیت شیمیایی ناشی از آن، بهداشت و ایمنی محل کار، دستیابی به مواد غذایی سالم، افزایش اختیارات نظارتی مردم محلی بر سرزمین بومی و ... از آن زمان تاکنون سازمان‌ها و نهادهای مختلف محلی و بین‌المللی مطالعات گسترده‌ای را انجام داده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که نابرابری درآمدها و تبعیض نژادی، نه تنها در تعیین محل تاسیسات و زباله‌های خطرناک بلکه در اجرای قوانین تنظیم کننده استانداردهای هوا و آب و دفع مواد زائد وجود دارد (Clayton, 2000).

مفهوم عدالت محیط‌زیستی در حقوق داخلی و بین‌المللی، متفاوت است. اساس عدالت محیط‌زیستی در حقوق داخلی بر مبنای حقوق خصوصی است و در برخی موارد موجب مسئولیت کیفری برای خاطیان می‌شود اما عدالت محیط‌زیستی در سطح بین‌المللی در ارتباط تنگاتنگ با حقوق بشر قرار می‌گیرد و ناظر به حق حیات، بهداشت، برخورداری از محیط‌زیست سالم، رهایی از تبعیضات نژادی و ... می‌شود (سرمدی و خمایی، ۱۳۹۴). بنابراین، اسکان افرادی از یک نژاد یا قوم در مکان‌هایی که از آلودگی بالاتری برخوردارند یا انباشت مواد سمی و آلوده در نزدیکی شهرها یا محیط‌هایی که افراد یک نژاد یا قوم خاص زندگی می‌کنند، از مصادیق تبعیض نژادی محسوب می‌شود. لازم به گفتن است که برای پیشرفت و توسعه یک کشور، توسعه صنعتی اجتناب‌ناپذیر است و این خود موجب بروز آلودگی‌های محیط زیستی است. یکی از اهداف عدالت محیط‌زیستی، ارتقای توزیع برابر امکانات زیست محیطی و تضمین این اصل است که به هیچ جامعه‌ای به طور نامتناسب، زیان‌های زیست محیطی تحمیل نشود (بلیک ژانت، ۱۳۸۹).

ارتباط تنگاتنگ عدالت محیط‌زیستی با مبانی حقوق بشر باعث شده که عدالت محیط‌زیستی به عنوان یک نظریه در تحقق عدالت اجتماعی، برای ارائه راهنمایی در راستای توسعه و اجرای سیاست کاربرد داشته باشد. این امر تلاش گسترده‌ای برای تعریف یکسان از عدالت محیط‌زیستی را بدنبال داشته است. در این راستا آژانس محافظت از محیط‌زیست ایالات متحده (EPA) عدالت محیط‌زیستی را به عنوان رفتار منصفانه و محترمانه با کلیه مردم، صرف‌نظر از نژاد، رنگ، ملیت، فرهنگ، تحصیلات یا سطح درآمد، با احترام به توسعه، تنفیذ و اجرای قوانین و مقررات و سیاست‌های محیط‌زیستی تعریف کرده است. در اینجا رفتار منصفانه به معنی آن است که به هیچ گروهی از مردم شامل گروه‌های نژادی، مذهبی و اقتصادی، نباید سهم نامناسب از اثرات منفی محیط‌زیستی ناشی از صنایع، عملیات شهری و تجاری یا اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های فدرال، دولتی، محلی و طایفه‌ای تحمیل شود (Shelton, 2003). در انگلستان علاوه بر جنبه مذکور، به این جنبه نیز اشاره شده که تمامی جوامع باید به اطلاعات و ابزار مناسب برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که بر کیفیت محیط‌زیست محلی ایشان اثر می‌گذارد، دسترسی داشته باشند. عدالت محیط‌زیستی مبتنی بر سه الگوی نظری است: الگوی فقدان قدرت سیاسی و اقتصادی، الگوی تبعیض نژادی زیست بومی و الگوی تحول در همسایگی. الگوی تحول در همسایگی بر اساس تحرکات ویژه مهاجرتی جوامع (مهاجرت اجباری) در ایالات متحده مطرح شده که علم اقتصاد تعیین‌کننده بی‌عدالتی‌های محیط‌زیستی است. در الگوی تبعیض نژادی زیست بومی گروه‌ها و یا کشورهای کوچک حامدانه هدف بی‌عدالتی محیط‌زیستی قرار می‌گیرند. در الگوی فقدان قدرت سیاسی و اقتصادی این موضوع مطرح است که نابرابری محیط‌زیستی به جوامعی که فاقد قدرت سیاسی و اقتصادی هستند، تحمیل می‌شود (Clayton, 2000).

عدالت محیط‌زیستی بر اساس چهار مفهوم سنتی از عدالت تقسیم‌بندی شده که شامل چهار گروه زیر می‌شود.

۱. عدالت توزیعی ۲. عدالت رویه‌ای ۳. عدالت اصلاحی ۴. عدالت اجتماعی (Shelton, 2003).

۱. عدالت توزیعی: این عدالت در زمانی استفاده می‌شود که تمام مردم از هر نوع تبعیض و نابرابری آزاد هستند و برای محافظت در برابر خاتمه دادن به تولید مواد و ضایعات آلوده فراخوانده می‌شوند. نابرابری توزیعی تنها شامل تهدیدات آلودگی یا زیان منابع طبیعی نمی‌شود، بلکه شامل موارد زیر نیز می‌باشد: آلودگی صدا، بو، بادهای همراه با هوای آلوده، نگرانی‌های زیباشناختی درباره محیط زندگی، ترافیک، حشرات موذی، کاهش ارزش املاک، آتش سوزی، تصادفات، صدمات روحی و سایر عوامل آزاردهنده که بر کیفیت زندگی مؤثر است. بسیاری از موضوعات مرتبط با عدالت زیست محیطی بر مفهوم عدالت توزیعی تمرکز دارند، به این معنا که تمام آسیب‌ها و مزایای زیست محیطی باید به صورت مساوی بین همه بخش‌های جامعه تقسیم شوند (بلیک ژانت، ۱۳۸۹).

۲. عدالت رویه‌ای: این جنبه از عدالت محیط‌زیستی که با عنوان عدالت سیاسی نیز شناخته می‌شود، بدین معنی است که دستیابی به عدالت محیط‌زیستی نیازمند تغییرات دینامیک سیاسی است که ماحصل آن موجب می‌شود تا تمام گروه‌ها در فرایند تصمیم‌سازی تحت رفتار عادلانه قرار گیرند. باید در نظر داشت که ماحصل عادلانه مهم‌تر از مورد عمل عادلانه قرارگرفتن در فرایند تصمیم‌سازی است. پس عدالت رویه‌ای یعنی به‌کارگیری فرآیندهایی که اطمینان می‌دهند همه‌ی اشخاص از جمله اجتماعات فقیر و اقلیت‌ها در تصمیمات زیست محیطی رای و نظر سرنوشت‌ساز دارند (بلیک ژانت، ۱۳۸۹).

۳. عدالت اصلاحی: این عدالت شامل عدالت در مسیر اجرای مجازات برای قانون شکنان است، زمانی که زبانی بر افراد و جوامع تحمیل شده است. عدالت اصلاحی شامل مفهوم عدالت کیفری، عدالت جبرانی، عدالت اعاده کننده و عدالت مبادله ای می شود.

۴. عدالت اجتماعی: این عدالت که به عنوان مزیتی در جنبه های مختلف عدالت است، بشر را به سمت استفاده از تمام تلاشش برای استقرار وضعیت عادلانه تر در اجتماع سوق می دهد. مصداق عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه اعضای هر طبقه و قشری، منابع و قدرت کافی برای زندگی برازنده بر اساس حقوق بشر و مطابق با کرامت انسانی داشته باشند و دیگر آنکه طبقات ممتاز جوابگوی جامعه وسیعتری به دلیل استفاده از امتیازاتشان باشند. طبقه بندی بالا راه حلی برای شناسایی عدالت در مفهوم عدالت محیط زیستی است. بدین ترتیب که با تحقق یکی از جنبه های ذکر شده، دستیابی به عدالت محیط زیستی باورپذیر خواهد شد. همانطور که زیر پا گذاشتن یکی از جنبه ها موجب بی عدالتی محیط زیستی می شود (حسینی ملا، ۱۳۹۹).

عدالت در عدالت محیط زیستی

در نظریه های سیاسی، عدالت به عنوان توزیع عادلانه کالاهای اجتماعی تعریف شده است. منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به گونه ای شایسته اداره شود تا مردم در فضایی عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، بی تردید تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود. در یک تحقیق انجام شده، سه مفهوم به رسمیت شناختن، توزیع برابر و رویه های مشارکتی به عنوان مفاهیم عدالتی ارائه شده اند. عدالت مبتنی بر توزیع برابر، فقط متمرکز بر توزیع پول و یا رفاه نیست بلکه تمرکز اصلی بر روی توزیع کیفیت محیط زیست، عدم تحمیل آسیب و صدمات به آن و دسترسی به فرصت های یکسان در رابطه با محیط زیست می باشد. عدالت به عنوان به رسمیت شناختن به معنای برخورداری از حقوق برابر و مالکیت به محیط و به رسمیت شناختن ارتباط بین جامعه و مکان است (Sayedi & Paknejad, 2016). عدالت به مثابه مشارکت مستلزم آن است که افراد و جوامع به محیطی که در آن زندگی می کنند، توجه داشته باشند و در آن محیط رویه های دموکراتیک برای مشارکت در زمینه هایی نظیر بی عدالتی های محیط زیستی و تصمیم گیری های ضروری وجود داشته باشد. اجزاء سه گانه مفهوم عدالت را می توان به خوبی برای درک عدالت زیست بوم ها به کار گرفت. اما از دیدگاه اخلاقی، برخی نکات مهم وجود دارد. اولین نکته این است که مسئولیت پذیری اخلاقی به موجودات خودآگاه محدود می شود. در چارچوب اخلاق محیطی، باید میان عوامل اخلاقی انسانی که قادر به انجام اقدام اخلاقی، قبول مسئولیت های اخلاقی و موضوعات اخلاقی هستند و دیگر افراد، تمایز قائل شد. حیوانات و زیست بوم ها نمی توانند به عنوان عوامل اخلاقی تلقی شوند. اما انسان ها، سازمان ها، شرکت ها و دولت ها می توانند عوامل اخلاقی باشند (Bell, 2004). نکته مهم دوم آن است که بیش از عدالت محیط زیستی، توزیع و گسترش خطرات و گزینه های شناخته شده حائز اهمیت است. اول از همه، زیست بوم گرایی مستلزم آن است که موجودات به لحاظ اخلاقی فرصت کافی برای حیات، رشد و بالندگی همزمان با محیط طبیعی را داشته باشند. به رسمیت شناختن این موجودات و هویت های آنان کاملاً متفاوت با ایده های توزیعی عدالت است. سوم این که، تنوع قابل توجه موجودات، امکان اعمال سیاست های توزیعی عقلانی قابل مدیریت را فراهم می کند. به عنوان جمع بندی می توان اذعان داشت که عدالت محیط زیستی ناظر به

سوگیری‌های ضروری در ارتباط با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط‌زیست است. در شرایطی که موجودات زنده و سیستم‌های اجتماعی می‌توانند از عوامل ترویج اخلاق باشند، گسترش یافتن دامنه عدالت و انصاف به سوی حیوانات، سیستم‌ها و سایر موجودات زنده، وجود تفاوت‌های اخلاقی در نزد افراد، حیوانات و گیاهان و نیز ظرفیت‌های مختلف برای مشارکت در زمینه‌های اخلاقی همگی نشان دهنده آن است که باید به شکلی متفاوت رفتار شود (Shelton, 2003). در ادامه باید این نکته را هم در نظر گرفت که مباحث مرتبط با محیط زیست، امروزه با عدالت اجتماعی پیوند خورده است. چراکه آسیب‌های زیست محیطی معمولاً بین همه اعضای یک جامعه به صورت مساوی تجربه نمی‌شوند، معمولاً افراد ساکن در مناطق فقیرنشین و اقلیت‌ها بیشتر با این موضوع دست به گریبان هستند. تبعیض زیست محیطی برای توصیف شرایطی به کار می‌رود که بخش‌هایی از یک جامعه به طور نامتناسبی بار مشکلات و آسیب‌های زیست محیطی را به دوش می‌کشند. در کشورهای صنعتی این بخش‌ها معمولاً منطقه‌هایی هستند که اوضاع اقتصادی اجتماعی مناسبی ندارند یا اقلیت‌های نژادی در این مناطق ساکن هستند. جنبش عدالت زیست محیطی به مثابه بخشی از جنبش بزرگ‌تر دفاع از حقوق مدنی که در دهه‌ی ۱۹۵۰ شروع شده بود، ظهور کرد. گفتمان عدالت زیست محیطی در دهه‌ی ۱۹۸۰ در آمریکا ظهور کرد و مباحث حوزه‌ی محیط‌زیست را تغییر داده و بخشی از نگاه‌ها را معطوف به خود کرد. عدالت زیست محیطی مربوط به حقوق افرادی است که بر اثر آلودگی محیط زیست‌شان آسیب دیده‌اند، بنابراین تمرکز این قسمت بر حقوق افراد است تا حقوق طبیعت (هانگین، ۱۳۹۳).

تحقیقات اولیه‌ای که در مورد عدالت زیست محیطی در آمریکا منتشر شده به این موضوع پرداخته‌اند که سهم اقلیت‌های نژادی از استفاده از زمین، کمتر از سایر گروه‌های جامعه است؛ اما از آن زمان تاکنون طرفداران عدالت زیست محیطی دامنه‌ی فعالیت‌های خود را گسترش داده‌اند و موضوعاتی مانند آلودگی هوا، مشکلات مکان‌های دفع زباله‌های سمی و محرومیت اقلیت‌ها در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط زیست را نیز در بر گرفته است. بحث دفن زباله‌های سمی از مهمترین موضوعات بوده است و گروه‌های طرفدار عدالت زیست محیطی بر مبارزه علیه مکان‌یابی اماکن زباله‌های سمی و اماکن زباله‌سوزی در مناطق شهری که دارای جمعیت کارگری زیاد یا اقلیت‌های قومی‌اند، تمرکز کرده‌اند. بر این اساس، کیفیت محیط‌زیست و نابرابری‌های طبقاتی با هم مرتبط هستند (دژاردن، ۱۳۹۶).

عدالت محیط‌زیستی، دامنه وسیعی از اخلاق محیط‌زیستی از قبیل برقراری عدالت میان انسان‌ها و حفظ طبیعت و همچنین نسل فعلی و آینده را در بر می‌گیرد. عدالت محیطی به توزیع عادلانه محیط خوب و بد برای انسان‌ها اشاره می‌کند. اخلاق محیطی و محیط‌زیستی در قالب اخلاق محیط‌زیستی قرار می‌گیرند که توسعه و ترویج اخلاق را فراتر از انسان‌ها می‌داند (Sayedi & Paknejad, 2016). با توجه به اخلاق محیط‌زیستی که عدالت محیط‌زیستی را در بر می‌گیرد، باید گفت این عدالت محدود به اخلاق انسانی نیست و حیطه گسترده‌تری را شامل می‌شود که همان دغدغه‌های اخلاقی طبیعت غیرانسانی است. عدالت محیط‌زیستی به سمت نهادینه کردن اخلاق در مورد حیوانات، دیگر موجودات زنده، زیست بوم‌ها و دیگر نظام‌ها گسترش یافته است. در موافقت با قلمرو اخلاقی گسترده‌تر عدالت محیط‌زیستی، باید توجه داشت که این مفهوم دارای پیامدهایی برای رفاه حیوانات می‌باشد (Bell, 2004).

نیازهای بشر و عدالت زیست محیطی

انسان به غذا، آب پاک، آموزش، درآمد و سلامتی مناسب نیاز دارد. فقر علت ناتوانی در رفع این نیازهای اساسی است. بنابراین فقر تهدیدی برای پایداری حیات بشر محسوب می‌شود. فقدان هر یک از موارد اشاره شده می‌تواند واکنش‌های زنجیره‌ای منفی‌ای را به وجود بیاورد. به عنوان مثال کمبود غذا دستگاه ایمنی بدن انسان را ضعیف می‌کند، ضعف دستگاه ایمنی باعث سوءتغذیه می‌شود، سوءتغذیه در را به روی حمله بیماری‌ها و ناخوشی‌ها باز می‌کند (Mingione, 2001). بنابراین حق بر محیط‌زیست یک ضرورت انکار نشدنی است. به گفته پژوهشگران، عدالت محیط‌زیستی با تحول اجتماعی به سوی رفع نیازهای اساسی بشر و ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها گام بر می‌دارد. از طریق تحلیل تعاریف و مفاهیم گوناگون چهار موضوع اصلی در مقوله عدالت محیط‌زیستی به شرح زیر معرفی می‌گردد: (۱) توزیع برابرنگانه خطرات و مزایای محیط‌زیستی؛ (۲) مشارکت منصفانه و معنادار در روند تصمیم‌سازی محیط‌زیستی؛ (۳) بازشناسی سبک زندگی اجتماعی، دانش محلی و اختلاف فرهنگی و (۴) توانمندی اجتماعات و افراد برای انجام کار و شکوفا شدن در جامعه. بنابراین عدالت محیط‌زیستی جستاری برای رفتار منصفانه در دو سطح به هم مرتبط است: رفتار منصفانه انسان‌ها و رفتار منصفانه محیط‌زیست (Schlosberg, 2007)

محور توجه عدالت محیط‌زیستی انسان‌ها و سایر مخلوقات آسیب‌پذیر هستند که در معرض خطر فعالیت‌های مخرب و آزمندانه انسان قرار دارند. عدالت محیط‌زیستی که از نقطه نظر اخلاقیات یک اخلاق الزاما انسان‌محور است، خواستار پیشبرد رفاه بشر و یکسان‌نگری اجتماعی است که در عین حال گونه‌های در معرض خطر و سلامت محیط‌زیست را کم اهمیت نمی‌شمرد. طرفداران عدالت محیط‌زیستی با پیشنهادی برای تضمین حق برابر نسبت به محیط‌زیست، درصدد جبران توزیع نابرابر بار محیط‌زیستی برآمده‌اند. بارهای محیط‌زیستی که می‌توانند از محقق شدن قابلیت‌های مردم بازداري کنند، شامل آلودگی‌ها، صنایع و تاسیسات و جرائم صنعتی هستند (بلیک ژانت، ۱۳۸۹). از این رو آنچه بی‌عدالتی محیط‌زیستی محسوب می‌شود، چند علت دارد. علت اصلی در میان علت‌های بی‌عدالتی محیط‌زیستی ایجاد تغییرات غیرقانونی در زمین، آب، انرژی و هواست. مثلاً زمانی که بدون تبعیض با سوء استفاده کنندگان از زمین، آب، انرژی و هوا برخورد نشود، نه تنها حیات وحش بلکه حیات بشر نیز مبتلا به عواقب آن می‌شود. در همین راستا جنگل‌زدایی بسیار وسیع به نام توسعه بشر، خسارت غیرقابل محاسبه‌ای را به منابع طبیعی جهان وارد کرده است. پیشرفت‌های صنعتی همواره حقوق محیط‌زیستی ساکنان اولیه سراسر دنیا را تهدید می‌کنند. حیات آبی هم از برخورد بدون تبعیض با بهره‌برداران آب‌ها در امان نمانده است. اجتماعات ساحل‌نشینان سراسر دنیا برای امرار معاش و حمل و نقل و غیره وابسته به آب هستند. بالاخص ماهیگیری منبع درآمد واقعی اجتماعات ساحل‌نشینان است. پس اگر انسان‌ها با احترام با آب رفتار نکنند، حق امرار معاش عده‌ای از مردم در معرض خطر قرار می‌گیرد. تغییر انرژی و تغییرات آب و هوا نیز به علل یاد شده بی‌عدالتی محیط‌زیستی شباهت دارد. مثلاً سوزاندن بنزین و اکتشاف سوخت فسیلی سهم بسزایی در انحطاط محیط‌زیست بسیاری از نقاط جهان داشته است. مناطقی همچون خلیج فارس و یا دریای خزر و همچنین دلتای نیجر در کشور نیجریه از نعمت نفت خام برخوردار می‌باشند. اما امروزه به نظر می‌رسد شهروندان بومی و مقیم در اکثر مناطق اکتشاف نفت خام با بی‌عدالتی محیط‌زیستی مواجه شده باشند (Tayebi, 2017).

از علل دیگر بی‌عدالتی محیط‌زیستی، قصور دولت‌ها در تدوین سیاست‌ها و مقررات دولتی مسئولانه و جوابگو است. طرز فکر کشورهای در حال توسعه که بی‌عدالتی محیط‌زیستی در آن‌ها ظاهراً متعارف است، این است که دولت‌ها باید صبر کنند تا آلودگی محیط‌زیستی ایجاد شود، بعد به دنبال راهکاری برای رفع آن بگردند. نژادپرستی نهادینه شده هم عدالت محیط‌زیستی را تهدید می‌کند. گرایش به پست‌تر دانستن محیط‌زیست یا منطقه عده‌ای از مردم نسبت به عده‌ای دیگر نیز باعث بی‌عدالتی می‌شود. نژادپرستی محیط‌زیستی که خواهان قطبی کردن جهان و خلق اجتماعات جدید یعنی اجتماع محیط‌زیستی پست‌تر و اجتماع محیط‌زیستی برتر است نیز باعث بی‌عدالتی محیط‌زیستی می‌شود (Schlosberg, 2007). همین مسئله در سطح روابط بین‌الملل نیز مشهود است. رابطه بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه از نظر رفتار با محیط‌زیست جهانی گویای نابرابری و بی‌عدالتی محیط‌زیستی می‌باشد. اقتصادهای پیشرفته صنعتی، بدترین آلاینده‌های محیط‌زیست هستند. اقتصادهای پیشرفته با احترام نسبت به محیط‌زیست کشورهای رو به توسعه رفتار نمی‌کنند چرا که زائدات صنعتی سمی اغلب به سایت‌های زباله در کشورهای رو به توسعه راه پیدا می‌کنند. جنسیت هم یکی از مهمترین موضوعات در فهم عدالت زیست محیطی است. به لحاظ نظری، جنسیت و محیط‌زیست در سه زمینه به هم مرتبط می‌باشند: اول، جنسیتی بودن دانش بومی بقا و رفتار با محیط‌زیست در زندگی روزمره. دوم، جنسیتی بودن حقوق زیست محیطی و مسئولیت‌های زیست محیطی؛ بدین معنا که حقوق کنترل و دسترسی به محیط‌زیست، جنسیتی است. سوم، جنسیتی بودن کنشگری زیست محیطی بدین معنا که در این کنشگری و میزان این کنشگری، تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. بیشتر تحقیقات به این مسئله پرداخته‌اند که زنان قربانیان اصلی تخریب محیط‌زیست هستند. به عبارت دیگر، اصولاً زنان بیشتر از مردان از آسیب‌های محیط‌زیست تاثیر می‌پذیرند و به همین دلیل می‌توان گفت محیط‌زیست اصولاً مفهومی جنسیتی است. نوع قشربندی یک جامعه را می‌توان در مسائل محیط‌زیستی آن جامعه نیز دید. بر همین اساس با توجه به قشربندی جامعه ایران می‌توان انتظار داشت بحث جنسیت یکی از موضوعات کلیدی باشد که در فضای رسانه‌ای کشور، مطرح است (اکبری، ۱۳۹۱).

محیط زیست‌گرایی در تقابل با عدالت زیست محیطی

ذات بشر عدالت‌خواه است و تمامی قواعد و قوانینی که در جامعه وضع شده، به منظور ایجاد عدالت بوده‌اند. عدالت تعامل و مفهومی جمعی است. ایده عدالت محیط‌زیستی که در دهه ۸۰ میلادی در آمریکا مطرح شد، توجه ایالت‌ها را در ۱۹۹۲ میلادی با تاسیس اداره عدالت محیط‌زیستی در سازمان حفاظت محیط‌زیست جلب کرد. سپس در ۱۹۹۴ میلادی به سازمان حفاظت محیط‌زیست به طور رسمی ابلاغ شد تا حقوق محیط‌زیستی عموم رعایت شود. این راهبرد اکثر موسسات را در راستای رعایت چیدمان توسعه خود و جلوگیری از فعالیت‌هایی چون دفن زباله‌های سمی یا خطرناک در محدوده زندگی اجتماعات فقیر و رنگین‌پوست به چالش کشید. این مفهوم تنها بعد سهم افراد (به معنی حق و مسئولیت) را شامل نمی‌شود، بلکه جنبه مشارکت (به معنی حق تصمیم‌گیری در سیاست‌ها) و قدردانی (به معنی شناسایی و قدردانی از فعالان و افراد تحت تاثیر سیاست‌های محیط‌زیستی) را خواستار می‌گردد (سرمدی و خمایی، ۱۳۹۴).

شاید بتوان گفت که آشکارترین پیامد منفی محیط‌زیستی در تجارت آزاد بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، صادرات مواد زائد خطرناک و صنایع آلوده کننده به کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای پیشرفته است. در سال ۱۹۹۱، لورنس سامرز اقتصاددان ارشد بانک جهانی، در یادداشتی بحث برانگیز دلایل ضرورت تشویق کشورهای پیشرفته توسط بانک جهانی به صادرات صنایع آلوده کننده به کشورهای در حال توسعه را ترسیم کرد. سامرز سه دلیل برای حمایت از این سیاست ارائه کرد: نخست آنکه از آنجا که هزینه‌های ناشی از آلودگی عموماً بر اساس درآمد از دست رفته به واسطه مرگ زود هنگام یا بیماری مزمن، محاسبه می‌شود، درآمد از دست رفته بر واحد آلودگی در اثر مرگ یک کارگر در کشورهای در حال توسعه بسیار کمتر از درآمد از دست رفته بر اثر مرگ کارگر در کشورهای پیشرفته است. دوم آنکه از آنجا که هزینه‌های نهایی و فزاینده آلودگی در کشورهای کمتر آلوده نظیر کشورهای آفریقایی از مناطق با آلودگی بالا بسیار کمتر است، انبارکردن مواد آلوده در این کشورها منطقی‌تر است و در نهایت تقاضا برای محیط‌زیست پاک در کشورهای فقیر با مرگ و میر بالا، به احتمال زیاد کمتر است. در حد فاصل سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸ سرانه تولید زباله در کشورهای صنعتی تا سه برابر افزایش یافته است. برنامه محیط‌زیستی سازمان ملل تخمین زده که سالانه در حدود ۴۴۰ میلیون تن از مواد سمی در سطح جهان تولید شده و تقریباً ده درصد این مقدار از مرزهای بین‌المللی صادر شده است (Kitt, 1995). بدین ترتیب، رفتار شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای در حال توسعه، محیط زیست‌گرایی را به عنوان شکل جدیدی از امپریالیسم معرفی می‌کند که بر اساس آن کشورهای پیشرفته و ثروتمند، سیاست‌ها و اولویت‌های محیط‌زیستی را برای کشورهای فقیر و در حال توسعه تعیین می‌کنند. بدین معنی که از دو شالوده حقیقی برای تحقق این امر استفاده می‌شود. از یک سو کشورهای ثروتمند مدعی هستند که حفاظت از محیط‌زیست در کشورهای در حال توسعه یک رویه مصنوعی و غیرواقعی است که می‌توان از آن صرف‌نظر کرد و از طرف دیگر معتقدند که کشورهای صنعتی و غنی عموماً نقش رهبری در محافظت از محیط‌زیست جهانی را بر عهده دارند. آن‌ها ارتباط بین تجارت آزاد و حفاظت از محیط‌زیست و عدالت اجتماعی را مبهم جلوه می‌دهند و در عمل منجر به این واقعیت شده که ایجاد چنین تفکری در بین مقامات کشورهای جهان سوم یعنی تجمعاتی بودن حفاظت از محیط‌زیست برای کشورهای فقیر موجب پذیرش صنایع آلوده کننده و مواد آلاینده توسط این کشورها شده است. همچنین در این کشورها محافظت از محیط‌زیست به عنوان مانعی برای توسعه و نیازهای فوری اقتصادی کشور که با نیازهای فوری فقیران مرتبط نمی‌باشد، شناخته می‌شود (Clayton, 2000).

کیت (Kitt, 1995) با بررسی و بیان دو مورد این حقیقت را آشکارتر می‌کند: ابتدا اتفاقی که به خاطر استخراج نفت در دریای خزر رخ داده است، بررسی می‌گردد. این دریاچه از نظر ماهیگیری، آب و هوایی و اقتصادی برای مردم ساکن در سواحل آن بسیار مهم است. ورود سالانه ۱۲۲ هزار تن آلودگی نفتی نظیر ۳۰۴ تن کادمیم و ۳۴ تن سرب موجب افزایش آلودگی دریای خزر است. با توجه به اینکه ۱۶ نوع از مشتقات نفتی سرطانزا می‌باشد، خطری که ساکنین سواحل آن را تهدید می‌کند، قابل اهمیت خواهد بود. یکی از کشورهای حاشیه دریای خزر، بدون در نظر گرفتن منافع محیط‌زیستی سایر کشورها و بدون در نظر گرفتن استانداردهای لازم برای حفاظت از محیط‌زیست در قبال مواد آلوده‌کننده‌ای که به آن‌ها اشاره شد، اقدام به استخراج نفت در دریای خزر کرده است. با در نظر گرفتن

اثرات زیان بار عملیات استخراج نفت بر روی ماهیگیری و سلامت مردمی که در سواحل دریا زندگی می‌کنند، می‌توان به صراحت ادعا کرد که یک بی‌عدالتی محیط‌زیستی در دریای خزر در حال وقوع است. مورد بعدی در آگوست ۲۰۰۶ رخ داده که یک کمپانی هلندی با درآمد سالانه معادل ۲۸ میلیارد دلار، ۵۰۰ تن مواد سمی را در ساحل ایووری در غرب آفریقا دفن کرد. تنها به این دلیل که نمی‌خواست مبلغ ۲۵۰ هزار دلار بابت امحای آن در هلند بپردازد. در نتیجه آن و در اثر تنفس آلودگی ناشی از آن ده نفر مردند، ۶۹ نفر در بیمارستان بستری شدند و نزدیک به صد هزار نفر به مراقبت‌های بهداشتی نیاز پیدا کردند و یا در گزارش‌ها آمده که یک کمپانی پلاستیک در تایوان که قادر نبود مکانی را برای معدوم کردن ضایعات حیوه پیدا کند، مواد آلوده را با کشتی به کامبوج صادر کرد که در یک چاله رو باز ریخته شد و یک کارگر محلی در اثر آلودگی ناشی از آن کشته شد و سلامت آب مصرفی اهالی مورد تهدید قرار گرفت.

شایان ذکر است که تنها تجارت غیرقانونی مواد آلاینده نیست که سلامت مردم کشورهای در حال توسعه را به خطر می‌اندازد، بلکه توسعه تجارت قانونی مواد قابل بازیافت نیز از عوامل قابل توجه هستند. صادرات مواد زیان بار برای بازیابی، نزدیک به ۹۰ درصد از مجموع کل صادرات مواد زیانبار از کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد که می‌تواند به اندازه مواد آلوده، مضر باشد. درحالی که بازیابی به طور کلی به عنوان یک عمل سودمند برای محیط‌زیست محسوب می‌شود، برخی عملیات بازیابی در کشورهای در حال توسعه به شدت زیانبار هستند و دلیل آن مدیریت نامناسب آلاینده‌ها و فقدان محافظت مناسب از کارگران است. برای مثال، میلیون‌ها باتری اتومبیل کار شده از ایالات متحده به برزیل، چین، هند و آفریقای جنوبی حمل شده است که برای بازیابی سرب دوباره ذوب می‌شوند (دژاردن، ۱۳۹۶). همچنین بدون تجهیزات محافظتی مناسب، کارگران در معرض سطح خطرناکی از سرب قرار می‌گیرند که موجب سردرد، گرفتگی عضلات شکم، سرگیجه و درد کلیه می‌شود. صدمات جدی‌تری نیز نظیر ضایعات کلیوی، مشکلات باروری و اختلالات مغزی در کودکان می‌تواند به دلیل قرارگرفتن طولانی مدت در معرض این مواد، بروز کند. فقدان زیرساخت‌های اداری و حقوقی مناسب برای انهدام مواد آلوده در کشورهای در حال توسعه، سلامتی و بهداشت جامعه را با خطر بیشتری مواجه می‌کند. جایگاه‌های تخلیه این مواد اغلب در مراکز پرجمعیت فقیرنشین قرار دارند و مردم فقیر وقتی برای یافتن اقلامی برای فروش یا استفاده، در زباله‌ها جستجو می‌کنند، در معرض مواد زیانبار قرار می‌گیرند. علاوه بر تمامی این‌ها، باید آلودگی سطح زمین، نفوذ آلودگی به آب‌های زیرزمینی و رودخانه‌ها، تاثیر آن بر آبزیان و حتی تاثیر بر هوای مناطق مورد اشاره را اضافه کرد. تحمیل استراتژی نگهداری و کنترل منابع آلودگی تولید شده به کشورهای فقیر و در حال توسعه توسط کشورهای ثروتمند و توسعه یافته در این مسئله کاملاً مشهود بوده است هرچند با ترجیحات زیست محیطی و اقتصادی و اولویت‌های آن در کشورهای در حال توسعه متضاد باشد. به فروش محصولات به قیمتی که کشورهای در حال توسعه از پس هزینه‌های تحمیل شده برای جلوگیری از زیان‌های محیط‌زیستی در حین فرآیند تولید بر نیایند، دامپینگ محیطی^۱ می‌گویند (سرمدی و خمایی، ۱۳۹۴).

¹ Environmental Dumping

توسعه پایدار و بی‌عدالتی محیط‌زیستی

توسعه پایدار یعنی برطرف ساختن نیازهای اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی-سیاسی نسل حاضر بدون به خطر انداختن نسل‌های آینده. اما این سه رکن توسعه پایدار به شکل یک کلاف در هم پیچیده با هم در ارتباط هستند. به عنوان مثال فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی روی فعالیت اقتصادی تاثیرگذار هستند و همچنین محیط‌زیست را تحت تاثیر قرار می‌دهند (Mingione, 2001). توسعه پایدار که ضامن حقوق اولیه انسان است بر اساس روش‌نگری درخور درباره جایگاه محیط‌زیست در حیات بشر پایه‌گذاری شده است. عدالت محیط‌زیستی در یک چشم‌انداز برای عدالت گسترده‌تر مطرح شده و تلاش برای ارتقای عدالت اقتصادی و قدرت سیاسی به معنای به حاشیه کشیدن عدالت محیط‌زیستی نیست (Tayebi, 2017). کوتاهی انسان‌ها در رفتار احترام‌آمیز به محیط‌زیست باعث بروز بحران غذا، سیلاب، و تهدید حیات بشر و حیات‌وحش می‌شود. نکته‌ای که در مورد حیات‌وحش می‌توان گفت تعداد بی‌شماری از پرندگان، جانوران و گیاهان در لیست گونه‌های در معرض خطر جا گرفته‌اند. در سراسر دنیا بیشتر حیات‌وحش و زیباترین منابع طبیعی کره زمین به نام توسعه و پیشرفت کنار گذاشته شده‌اند و بسیاری از جانوران به دلیل از دست دادن زیستگاه طبیعی خود رو به مرگ هستند. زنجیره اکوسیستم که حیات بشر را حفظ می‌کند، هر بار که گونه خاصی در طبیعت منقرض گردد، پاره می‌شود. امروزه این نوع نگاه به عدالت محیط‌زیستی نوعی مشکل و محدودیت تلقی می‌گردد که بهترین رهیافت برای این مهم بین‌المللی کردن حفاظت و احترام به محیط‌زیست است (Kuivovora, 2014).

عدالت محیط‌زیستی در ایران: از آرمان تا واقعیت

عدالت محیط‌زیستی مولفه‌های مختلفی از جمله محل دفن پسماندها، احداث کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها، بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، محل تولید پسماندهای خطرناک و غیره را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اعتقاد به عدالت محیط‌زیستی جنبه مهمی برای تمایل به ادامه تعهد به رفتارهای محیط‌زیستی و اقدام برای حفاظت از محیط‌زیست در سطح فردی، اجتماعی و نهادی است. بر طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵) عمده‌ترین مشکلات کشور در حوزه محیط‌زیست به شرح زیر آمده است:

- عدم تکمیل فرایند تعیین ارزش اقتصادی زیست‌بوم‌ها و منابع زیستی
- ضعف ارزیابی و کنترل آثار محیط‌زیستی در طرح جامع آمایش سرزمین و توسعه پایدار
- ضعف ساختار حکمرانی محیط‌زیست کشور و ناهماهنگی بخشی و فرابخشی
- عدم کارایی قوانین، آیین‌نامه، ضوابط و دستورالعمل اختصاصی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست
- ناکافی بودن منابع آمار و اطلاعات مورد نیاز مرتبط با محیط‌زیست کشور
- ناهماهنگی بخشی و فرابخشی در اجرای برنامه آموزش همگانی محیط‌زیست
- ضعف پایش و نظارت دقیق بر تولید و انتشار آلاینده‌های منابع زیستی
- ضعف در نظام و اعمال فرآیندهای حفاظت، ارزیابی، پایش، احیا و نظارت بر بهره‌برداری اجزای تنوع زیستی
- عدم کنترل و کاهش عوامل آلاینده و تهدیدکننده هوا.

ارزیابی افراد جامعه از عدالت محیط‌زیستی تعیین می‌کند که آیا فرد فعالیت محیط‌زیستی داشته؟ و همچنین، آیا از سیاست‌های اتخاذ شده پیروی کند؟. عدالت محیط‌زیستی زمینه‌ای برای گفتگو بین افراد ذینفع (که در جامعه ایرانی کمترین نقش را در تصمیم‌سازی داشته‌اند) و ساختار تصمیم‌گیر جامعه (که بیشتر دولت بوده است) فراهم می‌سازد تا در فضایی دوطرفه موانع دستیابی به سیاستی درست را بردارند؛ زمینه‌ای که تاکنون کمتر تجربه موفقی از آن را می‌توان مثال زد (اکبری، ۱۳۹۱). طی عمر ۵۰ ساله سازمان حفاظت محیط‌زیست، این سازمان قادر نبوده تمام فعالیت‌های دولتی و صنعتی که بر سلامت ایرانیان تاثیر سوء داشته را رصد و در مقابل آن‌ها اقدام مناسب اعمال کند. سازمان حفاظت محیط‌زیست ملزم به اجرای قوانین و مقررات محیط‌زیستی در سراسر کشور است. حقی که تاکنون به صورت نامتوازن برای ایرانیان اعمال شده است. در جامعه ایرانی باید ریشه‌های تولید و بازتولید آسیب‌های محیط‌زیستی و نابرابری‌های مربوط شناسایی شود. مساله مهم این است که آسیب‌های محیط‌زیستی حاصل از این نابرابری‌ها از سازمان محیط‌زیست و دیگر دستگاه‌های متولی جلوتر هستند. به عبارتی، گرچه اساس تشکیل سازمان حفاظت محیط‌زیست اجرای عدالت محیط‌زیستی در حوزه آسیب‌های محیط‌زیستی است، اما به نظر می‌رسد اقدامات راهبردی و سیاست این سازمان همواره از آسیب‌های محیط‌زیستی ناشی از نابرابری‌های مرتبط عقب‌تر است. آنچه مسلم است، حفاظت از محیط‌زیست به شیوه رایج آن در ایران، مولد، مدیر و توزیع‌کننده خطراتی است که سلامت ایرانیان را تهدید می‌کند. پارادایم کنونی حفاظت از محیط‌زیست ایران منجر به اقدامات اجرایی نامتوازن، به خطر انداختن سلامت انسان‌ها برای کسب سود بیشتر (سود می‌تواند مالی، سیاسی و غیره باشد)، اعمال فشار به قربانیان آلودگی نه به صنایع آلاینده، یارانه به صنایع کثیف برای تخریب محیط‌زیست، احداث پروژه‌ها و صنایع در مکان‌های پرخطر، به تاخیر انداختن اقدامات مقابله‌ای و کاهنده خطر و شکست در جلوگیری از توسعه آلودگی‌ها و تخریب‌ها شده است. متأسفانه الگویی از توسعه در کشور رواج یافته که در آن، به وجود آمدن آسیب‌های محیط‌زیستی را عادی و طبیعی تلقی کرده و نهایتاً به حل آسیب پیش آمده پرداخته می‌شود بدون اینکه برای مشکلاتی که در آینده پیش می‌آید برنامه‌ریزی جدی انجام شود که این مسئله خود، مشکلات را به وجود می‌آورد و به آنها دامن می‌زند (برگرفته از سایت شعار سال، ۱۳۹۷).

الگوی حاکم بر توسعه در کشور مبتنی بر توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی همراه با عدالت محیط‌زیستی نبوده است. قوانین برنامه‌ای ما از اول تا پنجم عمدتاً "توسط اقتصاددان‌ها تدوین شده و جایگاه متخصصین محیط‌زیست و علوم اجتماعی به خوبی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی - محیط‌زیستی دیده نشده است. مهمترین آسیب اجرای عدالت محیط‌زیستی این است که تاکنون برنامه‌ای برای مدیریت آسیب‌های محیط‌زیستی نداشته و همیشه با نگاه سخت‌افزاری (به عنوان مثال، انتقال بین حوضه‌ای آب) به رفع مشکل جامعه پرداخته شده است. نقش جامعه مدنی را در اجرای عدالت محیط‌زیستی و کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی نباید فراموش کرد چرا که جامعه مدنی لایه رها شده رابطه بین دولت و جامعه را پر می‌کند (حسینی ملا، ۱۳۸۹). تاکنون مطالعه جامعی در خصوص ارزیابی سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذ شده موثر بر محیط‌زیست در کشور انجام نشده و مشخص نیست چه اقداماتی می‌توانست انجام شود که انجام نشده است. انجام دادن یا ندادن این انتخاب‌ها چه هزینه‌هایی (پولی، سیاسی و سازمانی و غیره) دربرداشته است و حاصل تجارب گذشته برای حال و آینده چیست. عدالت محیط‌زیستی تلاش دارد پیش‌فرض‌های ذهنی حاکم بر جامعه تصمیم‌گیران ایرانی را که مولد و توسعه دهنده چنین شرایطی است را مشخص کرده و

پیش فرض‌های منطقی را جایگزین آن کند؛ به نحوی که به جای منافع فرد، گروه یا منطقه خاص، منافع تمامی ایرانیان و نسل‌های آینده را در نظر گیرد. عدالت محیط‌زیستی سوالی ساده می‌پرسد و آن این است که چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، چگونه و چه مقدار دریافت می‌کند؟ به نظر، عدالت محیط‌زیستی کلید حل مسائل عمده محیط‌زیست ایران است (اکبری، ۱۳۹۱).

بررسی چند مورد از ناعدالتی محیط‌زیستی

۱- ارزیابی عدالت محیط‌زیست در شهر تهران مبتنی بر توزیع فضایی آلودگی هوا و صدا

اولین مورد از ناعدالتی محیط‌زیستی به ارزیابی عدالت محیط‌زیست شهر تهران، ارتباط توزیع فضایی آلاینده‌های هوا و صدا با وضعیت اجتماعی و اقتصادی، میزان تولید و در معرض آلودگی قرار گرفتن را به تفکیک منابع متحرک و ثابت آلودگی هوا مربوط است. بدین منظور اطلاعات آلودگی هوا و صدا (شامل متغیرهای غلظت آلاینده‌ها مرتبط با ایستگاه‌های پایش آلودگی هوا و صدا)، منابع ساکن (متشکل از منابع خانگی و صنایع مختلف دایر در شهر تهران) و منابع متحرک (شامل درصد مالکیت خودروها و موتورسیکلت‌ها) می‌باشند. بر اساس نقشه پهنه‌بندی آلاینده‌های هوا، میزان دی‌اکسید گوگرد در مناطق ضعیف‌تر اقتصادی و اجتماعی بیشتر از سایر مناطق است. دلیل این رخداد را می‌توان مجاورت این مناطق با پالایشگاه تهران و صنایع موجود دانست. همچنین هر چه رتبه اجتماعی و اقتصادی بهتر باشد، میزان تولید آلودگی هوا ناشی از مصرف خانگی نیز بیشتر است. با توجه به اینکه عمده‌ی بادهای تهران از غرب به شرق هستند، ولی به دلیل ضعیف بودن و نبود جهت مشخص سهمی در کاهش آلودگی ندارند. همچنین با توجه به نقشه‌ی وضعیت اجتماعی و اقتصادی و نقشه‌ی پهنه‌های آلودگی می‌توان دریافت که بیشتر طبقات ضعیف در بخش جنوبی قرار دارند؛ بنابراین باد اثری بر کاهش آلودگی بر طبقات ضعیف اقتصادی و اجتماعی مناطق تهران ندارد. میزان تولید آلودگی هوای ناشی از منابع متحرک در مناطقی که وضعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری دارند، بیشتر است. با توجه به وضعیت مالکیت صنایع، فرودگاه مهرآباد، راه‌آهن و نیروگاه‌ها که اغلب دولتی هستند، می‌توان نتیجه گرفت که ساکنین مجاور این صنایع سهمی در استفاده از خدمات ناشی از این صنایع ندارند. زیرا با بررسی بودجه‌ی خانوار ساکنان مجاور این صنایع مشخص است که آنها توانایی خرید و استفاده از این صنایع را ندارند، اما بیشتر از سایرین در معرض آسیب‌های ناشی از تولید آلودگی صنایع مجاور محل زندگی‌شان هستند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- عدالت محیط‌زیستی و قاچاق چوب، هیزم و زغال جنگلی

جنگل، به عنوان نخستین زیستگاه و مهم‌ترین منبع تجدیدپذیر طبیعی است که اگر تخریب شود، بنا بر گونه و محیط‌زیست آن، از ۳۰ تا ۲۰۰ سال طول می‌کشد تا بازسازی شود. بدیهی است که در این وضعیت برقراری تعادل میان بهره‌وری و حفاظت، مقوله‌ای بغرنج و صعب خواهد بود. جنگل، یا فرآورده‌ی مستقیم دارد که مبتنی بر چوب است یا محصولات فرعی به ارمغان می‌آورد، مانند گیاهان و صمغ‌های جنگلی. یکی از بهره‌های جنگل برای انسان‌ها چوب و هیزم و زغال است که به بحران هیزم در جهان مشهور است. جنگل همانند یک سیل‌بند برای ساکنین مستقر در حاشیه جنگل عمل می‌کند که با قطع درختان این حالت از بین رفته و احتمال سیل و آبگرفتگی مناطق آن ناحیه افزایش پیدا می‌کند. در چندین سال اخیر شاهد رخ دادن این اتفاق در استان‌های شمالی به واسطه کم شدن پوشش

جنگلی بوده‌ایم. همچنین نابودی جنگل فرسایش خاک را به دنبال دارد که این نیز از جمله مشکلات اساسی محیط-زیستی محسوب می‌شود چرا که برای تشکیل یک سانتی‌متر خاک به حدود ۲۰۰ سال زمان نیاز می‌باشد. یکی دیگر از معضلاتی که با قطع درختان جنگل رخ می‌دهد، آلودگی هواست. درختان به عنوان تصفیه کننده هوا و تولید اکسیژن شناخته می‌شوند و با از بین رفتن آنها و کاهش پوشش جنگلی و گیاهی احتمال آلودگی هوا بالاتر می‌رود. به خصوص در دنیای امروزه که استفاده از ماشین آلات افزایش یافته و کارخانه‌ها نیز روز به روز در حال زیاد شدن هستند. درست است که قطع درختان به خصوص جنگل به منظور استفاده از چوب آنها یا برای تولید هیزم و زغال عموماً به صورت قاچاق انجام می‌شود ولی این امر به حدی دارای اهمیت است که حتی در صورت داشتن پروانه نیز باید از قبل هماهنگی‌هایی صورت بگیرد. در واقع سود حاصل از این امر چه قانونی و چه غیر قانونی عاید افراد خاصی می‌شود ولی ضرر و زیان آن گریبان افراد زیادی را می‌گیرد که این خود نشان از عدم عدالت محیط‌زیستی در این زمینه می‌باشد (محسنی، ۱۳۹۶).

۳- چشم‌اندازهای اخلاقی عدالت محیط‌زیستی در کشاورزی ارگانیک و عملی

کشاورزی ارگانیک، یک شکل ثابت سازمانی برای اجرای آرمان‌های محیط‌زیستی در سیستم‌های جهانی غذایی است. تولید محصولات ارگانیک تایید شده و تجارت آن‌ها، می‌تواند به عنوان نمادی از سازمان‌هایی باشند که می‌توانند عدالت محیط‌زیستی را در یک نظام تغذیه‌ای از راه دور و غیرمحملی رعایت نمایند. شناسایی محصولات ارگانیک از طریق ارائه برچسب‌های محیط‌زیستی به شکل‌گیری گزینه‌های متعدد در بازار منجر می‌شود و به مصرف کننده کمک می‌کند که بر مبنای سلیقه خویش خرید نماید. امروزه به واسطه استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی شاید محصولاتی که به دست مصرف کنندگان می‌رسند، از سلامت زیادی برخوردار نباشند و به همین دلیل توسعه کشت گیاهان ارگانیک مورد توجه قرار گرفته است. در این میان قیمت بالاتر این محصولات سبب می‌شود که همگان قدرت خرید و استفاده از این محصولات را نداشته باشند. چیزی که باید حق مسلم تمام افراد جامعه باشد. زیرا این خود مردم هستند که باید انتخاب کنند چه نوع محصولی را استفاده کنند، ولی به واسطه قیمت بالا محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود. همین محدودیت‌ها احتمال افزایش بیماری‌های ناشی از استفاده سموم در محصولات را در افراد قشر پایین جامعه افزایش می‌دهد. در حالی که همین افراد برای هزینه‌های سرسام‌آور درمان نیز در مضیقه هستند که باز نشان دیگری از بی‌عدالتی محیط‌زیستی به دلیل بالا بودن قیمت محصولات سالم می‌باشد. از طرفی دیگر لازم است این محصولات از سایر محصولات جدا باشند تا افراد با توجه به سلیقه و نظر خود حق انتخاب در خرید را داشته باشند و محکوم به خرید اجباری نشوند. همچنین ممکن است برداشت این محصولات در هر هکتار، از محصولاتی که با استفاده از کودهای شیمیایی تغذیه می‌کنند، کمتر باشد که این امر کشاورز را از تولید این محصولات باز می‌دارد. لذا لزوم ورود دولت و دادن امتیازات خاص به کشاورزان این دسته برای ترغیب سایر کشاورزان به این سمت احساس می‌شود. چرا که در این صورت کشاورز برای داشتن سود بیشتر به سمت استفاده از راهی نمی‌رود که در درازمدت سلامت مردم جامعه و چه بسا قشر پایین جامعه را به خطر بیندازد و بی‌عدالتی موجود در این زمینه تا حدود زیادی کاهش پیدا می‌کند (آرایش، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

بحران محیط‌زیستی دیگر در هیچ جای دنیا قابل انکار نیست. هر روز اخبار مختلفی از نابود شدن جنگل‌ها، خشک شدن دریاچه‌ها، منقرض شدن گونه‌های گیاهی و جانوری، گرم شدن کره‌ی زمین و تغییر اقلیم شنیده می‌شود. زمان آن رسیده که توجه به مشکلات و معضلات محیط‌زیستی از قالب یک پدیده‌ی فانتزی بیرون آمده و به عنوان یک واقعیت هولناک نگریسته شود. عدالت جهانی نمی‌تواند ضرورت توجه جهانیان به محیط‌زیست را نادیده بگیرد چرا که بقای انسان‌ها بسته به محیط‌زیست پاک، سالم و ایمن است. اقتصادهای رو به توسعه که اکثراً شامل کشورهای آفریقایی و برخی کشورهای آسیایی هستند، نمونه بارز تجربه انحطاط و بی‌عدالتی محیط‌زیستی هستند. دولت‌ها، بخصوص در کشورهای رو به توسعه، باید نظام منصفانه، نافذ و کارآمد و قابل دسترسی عدالت را با توجه به چگونگی استفاده از محیط‌زیست برقرار کنند. محیط‌زیست پاک یکی از حقوق بشری است و بی‌عدالتی در حق یک نفر یعنی بی‌عدالتی در حق همه و همچنین بی‌عدالتی در حق هر بخش از محیط‌زیست یعنی بی‌عدالتی در حق محیط‌زیست جهانی که این محور اصلی و مرز بین عدالت و بی‌عدالتی محیط‌زیستی است. از طرفی نیز در سال‌های اخیر آشکار شده که فناوری نمی‌تواند به تنهایی بحران‌های زیست محیطی را حل کند. در این رویکرد، تمرکز ویژه‌ای بر فرهنگ، آموزش و ارتباطات وجود دارد و تاثیر ارتباطات انسانی و اجتماعی در تشکیل ادراکات انسانی و در نتیجه رفتار زیست محیطی در نظر گرفته می‌شود. با گسترش روزافزون اینترنت و استفاده از ارتباطات رایانه محور می‌توان با هزینه کم و در زمان کم به مخاطبان بین‌المللی و در نتیجه مشارکت گسترده دست یافت. این رسانه‌ها علاوه بر اثرگذاری بر ادراکات و نگرش‌ها، به دلیل ویژگی‌های خاص خود می‌توانند با تغییر منابع و جریان‌های خبری ارتباطات زیست محیطی را متاثر سازند.

عدالت محیط‌زیستی، رفتار منصفانه و درگیر شدن معنی‌دار همه افراد بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، منشأ ملی یا درآمد با توجه به توسعه، اجرای قوانین، مقررات و سیاست‌های محیط‌زیستی است که این هدف را برای کلیه جوامع و افراد در سراسر جهان دارد. این امر زمانی حاصل می‌شود که همه از همان میزان محافظت در برابر خطرات محیط‌زیستی و سلامتی و دسترسی برابر به فرآیند تصمیم‌گیری برخوردار شوند تا محیطی سالم داشته باشند که در آن زندگی، یادگیری و کار داشته باشند. بنابراین تمام کشورها باید قوانین محکم و جامعی را در این زمینه داشته و اجرا کنند.

منابع

- آرایش، م. (۱۳۹۷). چشم اندازه‌های اخلاقی عدالت محیط‌زیستی در کشاورزی ارگانیک و عملی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۳(۲)، ۲۹-۳۸.
- اکبری، ح. (۱۳۹۱). نقش زنان در توسعه پایدار محیط‌زیست، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۴)، ۵۶-۳.
- بی‌نام (۱۳۹۷). برگرفته از سایت شعار سال، با اندکی تلخیص و اضافات برگرفته از سایت خبرخوان تی نیوز. (۱۳۹۷). سایت خبری تحلیل شعار سال (۱۳۹۷/۰۲/۲۱): <https://shoaresal.ir/fa/news/127202>
- بلیک ژانت، ا. (۱۳۸۹). کارکرد عدالت در حفاظت جهانی محیط‌زیست. *نشریه علوم محیطی*، ۸(۲)، ۲۷-۱۱.

- جالیانوسی، ا.، و نجف پور، س. (۱۳۸۶). مفهوم عدالت در اسلام و غرب. *فصلنامه دانش سیاسی*، ۵، ۹۹-۱۲۷.
- حسینی ملا، م. (۱۳۹۹). *ماهنامه فرهنگی اجتماعی پایگاه خبری آبتاب* (۱۳۹۹/۰۸/۲۰) :
- http://www.abtaab.ir/NewsPageContent.aspx?ID_news=2612
- دژادن، ج. (۱۳۹۶). خالق محیط زیست: درآمدی بر فلسفه محیط زیست، ترجمه: مهدی کالهی، تهران، ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سیدی، ا.، و پاک نژاد، ا. (۱۳۹۴). رابطه معیارهای اخلاقی تولیدکنندگان با رفتار مصرف کننده. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۰(۲)، ۹۸-۱۰۸.
- عباسی سرمدی، م.، و اسدی خمایی، ر. (۱۳۹۴). مفهوم عدالت محیط زیستی و انعکاس آن در اسناد منطقه ای و بین المللی. *نشریه راهبرد*، ۷۷، ۳۳-۵۸.
- قربانی، س.، صالحی، ا.، فریادی، ش.، و جعفری، ح. ر. (۱۳۹۸). ارزیابی عدالت محیط زیست در شهر تهران مبتنی بر توزیع فضایی آلودگی هوا و صدا. *نشریه جغرافیا و پایداری محیط*، ۳۲، ۳۱-۱۹.
- محسنی، ح. (۱۳۹۶). عدالت محیط زیستی و قاچاق چوب، هیزم و زغال جنگلی (قد و بررسی مبانی رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴). *مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، ۴(۱)، ۸۵-۱۰۹.
- هانگین، ج. (۱۳۹۳). *جامعه شناسی محیط زیست*. ترجمه: صادق صالحی، تهران، ایران: نشر سمت.
- Bell, D. (2004). Environmental justice and rawls' difference principle. *Environ-Mental Ethics*, 26, 287-306. Doi: [10.5840/enviroethics200426317](https://doi.org/10.5840/enviroethics200426317).
- Bullard, R.D. (2018). *Dumping in Dixie: Race, Class, and Environmental Quality*. New York. Doi: [10.4324/9780429495274](https://doi.org/10.4324/9780429495274).
- Clayton, S. (2000). Models of Justice in the Environmental Debate. *Journal of Social Issues*, 56, 459-474. Doi: [10.1111/0022-4537.00178](https://doi.org/10.1111/0022-4537.00178).
- Gonzalez, C. (2011). An Environmental Justice Critique of Comparative Advantage: Indigenous Peoples, Trade Policy, and the Mexican Neoliberal Economic Reforms, *Journal of International Law*, 32, 101-130.
- Jerrett, M., Burnett, R.T., Kanaroglou, P., Eyles, J., Finkelstein, N., Giovis, C., & Brook, J.R. (2001). A GIS ^ environmental justice analysis of particulate air pollution in Hamilton, Canada. *Environment and Planning*, 33, 955-973. Doi: [10.1068/a33137](https://doi.org/10.1068/a33137).
- Kuivorova, T. (2014). *Introduction to International Environmental Law*. Translated by Sobhan Tayebi and Mahnaz Zarrabi. Publishing Sama.
- Mingione, E. (2001). *Urban Poverty and the Underclass: A Reader*. Blackwell.
- Schlosberg, D. (2007). *Defining Environmental Justice: Theories, Movements, and Nature*. Oxford University Press. Doi: [10.1093/acprof:oso/9780199286294.001.0001](https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199286294.001.0001).
- Tayebi, S., Moosavi, S.F., & Poorhashemi, S.A. (2017). Environmental Diplomacy and its Impact on International Interactions and Global Peace. *International Journal of Environmental Science and Technology*, 14(7), 1573-1582. Doi: [10.1007/s13762-017-1251-0](https://doi.org/10.1007/s13762-017-1251-0).